

## مفهوم و مبانی جبران خسارت از محکومان بی گناه با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و کامن لا اسدالله قربانزاده،<sup>۱</sup> محسن رهامی<sup>۲\*</sup>، بهروز گلپایگانی<sup>۳</sup>

### چکیده:

اشخاصی که به هر دلیلی مجرم شناخته می‌شوند و بر اثر رسیدگی قضایی و لوازم خاص آن، بر حیثیت و آبروی این افراد نقصی وارد شده است که طبیعتاً بعد از رفع اتهام یا پایان مرحله مجازات باید تدابیری اندیشید تا این نقص جبران شود و امکان حضور دوباره این افراد در نقش اجتماعی‌شان فراهم آید. از این رو، ضروری مفهوم و مبانی جبران خسارت از محکومان بی گناه با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران و کامن لا انجام شود و پژوهش پیش رو به این نتیجه رسیده است که مبانی جبران خسارت از محکومان بی گناه در نظام حقوقی ایران مبتنی بر الف. مبنای منطقی و خردگرایانه حق جبران خسارت (۱). نظریه قرارداد اجتماعی، ۲. تئوری‌های حقوقی در توجیه حق بر جبران خسارت، ۳. اصل لزوم جبران کلیه خسارات وارده بر محکومان بی گناه؛ ب. مبانی دینی و فقهی حق بر جبران خسارت (قاعده احترام و قاعده لاضرر) را تشکیل می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** جبران خسارت، محکومان بی گناه، قاعده احترام، قاعده لاضرر، اصل لزوم جبران، نظریه قرارداد اجتماعی.

---

\* گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

assadollahghorbanzadeh@yahoo.com

\*\* گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

rahamioffice@gmail.com

\*\*\* گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

behroz.g@gmail.com

## مقدمه

علی‌رغم اصل برائت به منظور حفظ عدالت دستگاه قضایی در موارد عدیده به بازداشت بسیاری از متهمین یعنی کسانی که هنوز بزهکاری آنان مسلم نیست، مبادرت ورزیده می‌شود؛ هرگاه این قبیل متهمین در دادگاه به مدتی بیشتر یا معادل آنچه که در بازداشت موقت بسر برده‌اند، محکوم گردند، شاید بتوان پذیرفت که توقیف‌های مذکور توسط دستگاه عدالت به نحوی از انحاء قابل توجیه است؛ لیکن مشکل وقتی ایجاد می‌گردد که شخصی که پس از گذراندن هفته‌ها، ماه‌ها و گاهی سال‌ها در زندان سرانجام به جزای نقدی و یا به مدتی کمتر از آنچه که در بازداشت بوده است، محکوم و یا حتی به کلی تبرئه می‌گردد.

قانون‌گذار کشورمان با پذیرش مسئولیت دولت نسبت به خسارات ناشی از بازداشت شخص بی‌گناه، گامی مهم در شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری و به طور کلی، نسبت به تصمیمات بخشی از کارمندان و نهادهای تحت مدیریت دولت برداشته است. جانمایی مسئولیت دولت به شرح پیش گفته می‌تواند به تدریج و با رعایت شرایطی به سایر تصمیمات مراجع قضایی نیز تسری یابد. به بیان دیگر، شایسته است که دولت نه تنها نسبت به خسارات ناشی از بازداشت شخص بی‌گناه، بلکه نسبت به زیان‌های ناشی از سایر تصمیمات قضایی، به طور مستقیم در برابر شهروندان مسئول شناخته شود و مسئولیت مستقیم دادرس در برابر زیان‌دیده به مواردی همچون تقلب و تدلیس محدود گردد. مسئولیت دولت به جای مسئولیت مستقیم دادرس موجب می‌شود تا نه تنها زیان‌دیده در مطالبه خسارت وارد شده با اعسار بدهکار مواجه نشود، بلکه اقتدار دادرس را نیز در برابر اصحاب دعوا حفظ می‌نماید. همچنین، در مواردی که علاوه بر خطای قضایی اسباب دیگری نیز در ورود خسارت سهیم باشد، به گونه‌ای که انتساب زیان به یکی از آنها ممکن نباشد، مراجعه مستقیم به دولت، زیان‌دیده را با دشواری‌های مربوط به تعیین عامل زیان مواجه نخواهد کرد (قربان‌زاده، رهامی و گلپایگانی، ۱۳۹۸: ۱۵۴)؛ نگارندگان در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این سوالات اصلی هستند که مفهوم جبران خسارت از محکومان بی‌گناه چیست؟ مبانی جبران خسارت از محکومان بی‌گناه در نظام حقوقی ایران و کامن‌لا چیست؟

## ۱. مفهوم بروز اشتباه قضایی

یکی از مفاهیم مرتبط با محکومیت بی‌گناهان که در ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی جایگاه شناخته‌شده‌ای دارد، خطای قضایی است. اهمیت بررسی مفهوم یادشده زمانی دوچندان می‌شود که گاهی معادل با محکومیت بی‌گناهان قرار می‌گیرد. برخی خطای قضایی را برآیند دادرسی قضایی ناعادلانه تعریف کرده‌اند، مانند آن که متهمی با وجود کمبود ادله‌ی اثبات به یکی از ارکان جرم

اتهامی محکوم شود (Garner, 2000: 811).

بین خطای قضایی با محکومیت بی گناهان رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق برقرار است؛ هر محکومیت بی گناهی، خطای قضایی است، اما عکس آن صادق نیست. احتمالاً از آن جا که محکومیت بی گناهان شایع‌ترین و مهم‌ترین نوع خطای قضایی است، برخی از پژوهشگران و حقوق‌دانان، آن را معادل خطای قضایی دانسته‌اند. به طور معمول، منظور از محکومیت گناهان، محکومیت‌هایی است که بر مبنای ادله‌ی اثبات نادرست صادر می‌شوند. برای نمونه، فردی براساس شهادت نادرست، اقرار نادرست، کارشناسی نادرست، جعل ادله و مانند آن به جرم مرتکب نشده محکوم می‌شود (غلاملو و فرجیها، ۱۳۹۳: ۷۰).

اگر خطای قضایی را محدود به موارد صدور حکم، اعم از محکومیت یا تبرئه‌ی نادرست بدانیم، تکلیف مشخص است، اما اگر قائل به مفهوم وسیع‌تری از آن باشیم، در مواردی با دادرسی منصفانه تداخل مفهومی پیدا می‌کند. برای نمونه، بازداشت نادرست می‌تواند یکی از مصادیق نقض دادرسی منصفانه باشد، زیرا بازداشت متهمان باید جنبه‌ی استثنایی داشته و کاملاً موجه باشد. فرست اعتقاد دارد خطای قضایی دو نوع است: نقض دادرسی عادلانه و بی‌کیفرمانی. خطای نوع نخست شامل اتهام‌نگاری نادرست، بازداشت نادرست، محکومیت نادرست و کیفردهی نادرست می‌شود. منظور از خطای نوع دوم، رهایی و مجازات نشدن مجرمان واقعی است (Forst, 2004: 23).

بین دادرسی منصفانه و خطای قضایی رابطه منطقی عموم خصوص من وجه برقرار است، یعنی نه هر خطای قضایی‌ای نقض دادرسی منصفانه است و نه هر نقض دادرسی منصفانه‌ای خطای قضایی؛ برای نمونه، تبرئه‌ی نادرست که از مصادیق خطای قضایی است، نقض دادرسی منصفانه محسوب نمی‌شود.

## ۲. مفهوم محکومان بی‌گناه

«محکوم» فردی است که پس از طی مراحل دادرسی، با رعایت شرایط و اصول دادرسی عادلانه و منصفانه، بزهکاری او در مرحله دادگاه به اثبات رسیده باشد و رسیدگی به اتهام او، منجر به صدور حکم محکومیت او از سوی دادرس دادگاه صالح شده باشد.<sup>۱</sup> البته، ممکن است در اثر بروز اشتباه در رسیدگی‌های کیفری، فرد متهم بدون جهت و بدون اینکه واقعاً مرتکب رفتار

۱. مفهوم محکوم با مفهوم متهم متفاوت است؛ اصطلاح «متهم» نیز از حیث حقوقی، به کسی گفته می‌شود که تهمت متوجه او است و هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده و اگر شروع شده باشد، به رأی لازم‌الاجراء خاتمه نیافته باشد. پس از صدور حکم قطعی در مورد اتهام و احراز بزه، او را «مجرم» می‌گویند. متهم انسانی است همانند دیگران با کلیه کرامت‌های انسانی، که در دادرسی‌های کیفری در معرض مجازات و یا اقدامات تأمینی و تربیتی قرار می‌گیرد و سرنوشت او رقم می‌خورد (آخوندی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)؛ به عبارت دیگر، متهم کسی است که هنوز بزهکاری او مسلم نیست و در پناه اصل برائت به سر می‌برد.

ممنوعه‌ای شده باشد، به عنوان محکوم علیه به تحمل ضمانت‌های اجرایی کیفری محکومیت یابد. در نظام حقوقی کنونی ایران، مفهوم «مسئولیت کیفری»<sup>۱</sup> به استناد ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علاوه بر اشخاص حقیقی، به اشخاص حقوقی نیز تسری یافته است<sup>۲</sup> و امکان تحقق بزه از جانب اشخاص حقوقی نیز پذیرفته شده است. از این رو، مفهوم «محکوم» قابل تسری به اشخاص حقیقی و حقوقی می‌باشد. «محکومان بی‌گناه» اشخاصی (اعم از حقیقی و حقوقی) هستند که در واقع امر مرتکب جرمی نگردیده‌اند و بلاجهت در فرآیند دادرسی‌های کیفری درگیر شده‌اند و ممکن است در این مسیر، آبرو، حیثیت، اموال، آزادی، تمامیت جسمانی و حقوق اجتماعی خود را از دست داده باشند.

از سوی دیگر، حقوقدانان در مورد ارائه معیار درستی جهت طبقه‌بندی شخص محکوم شده‌ای که بی‌گناه واقعی است و استحقاق مطالبه جبران خسارت دارد، اختلاف نظر دارند. با وجود این، به نظر می‌رسد مراد از فرد بی‌گناه کسی است که در فرآیند شکل‌گیری عناصر سه‌گانه عمل مجرمانه، نه مباشرتاً و نه به معاونت و تسبیب، نقشی نداشته است (Stanley, 2012: 183)؛ لیکن فرد بی‌گناه مستحق مطالبه جبران خسارت که نهایتاً بایستی نسبت به جبران خسارت مطلوب به عمل آید، کسی است که، علاوه بر «بی‌گناه بودن»، در فرآیند درگیر شدن خود در دادرسی‌های کیفری و اشارت رفتن انگشت اتهام به سوی خود و متحمل خسارت شدن، نقش و دخالتی نداشته باشد؛ در غیر این صورت، براساس قاعده «اقدام»، او را مستحق جبران خسارت نخواهیم دانست.

موضوع دیگر این که فرد بی‌گناه «به غلط» متهم و محکوم شده، در پاره‌ای مواقع به افرادی نیز اطلاق می‌گردد که در «عنصر مادی جرم» دخالت داشته‌اند، لیکن بنا به دلایلی از قبیل جنون در حین ارتکاب جرم، اجبار یا اکراه، اصولاً بایستی مجازات می‌شدند؛ زیرا اساساً هرچند عمل آن‌ها جرم محسوب می‌شده، لیکن به واسطه اینکه این عوامل از موجبات رفع مسئولیت کیفری به شمار

<sup>۱</sup> عبارت «مسئولیت کیفری» (Criminal Liability) به معنای مسئول بودن در برابر کیفر و مجازات و بار مجازات را به دوش کشیدن، می‌باشد و به عبارت دقیق‌تر، به معنای «تحمل مجازات» می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به میرسعیدی، ۱۳۸۶).

<sup>۲</sup> ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». در کشور ما تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگرچه به صورت پراکنده در بعضی قوانین ضمانت‌اجراهایی برای اعمال متخلفانه اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده بود، لکن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت نظام‌مند و جامع به رسمیت شناخته نشده بود (البته در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در مورد این جرایم پذیرفته شده بود). با تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مورد جرایمی که با توجه به قوانین ما قابلیت ارتکاب توسط اشخاص حقوقی را داشتند، به صورت جامع مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفت (موسوی مجاب و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

می‌روند، در مورد آن‌ها باید «قرار منع تعقیب» یا «قرار موقوفی تعقیب» حسب مورد صادر می‌گشت، در حالی که به اشتباه محکومیت یافته‌اند. به عبارت دیگر، رفتار این دسته از افراد، جرم محسوب می‌شود، لیکن مجرم مسئول به شمار نمی‌روند.

همچنین، «فرد بی‌گناه به اشتباه محکوم شده»، ممکن است به افرادی نیز اطلاق گردد که بنا به دلایلی نظیر دفاع مشروع یا رضایت مجنی علیه در جرایمی که عدم رضایت رکن سازنده جرم محسوب می‌شود، مثل آدم‌ربایی یا در جرایمی که رضایت مجنی علیه بعد از وقوع جرم، زائل‌کننده عنوان مجرمانه است، مثل جرم تخریب اموال غیر- عمل ارتكابی آن‌ها اصولاً فاقد عنوان مجرمانه بوده است. به عبارت دیگر، این دسته از افراد، هر چند تمام رفتارهای مادی و لازمی را که مستلزم تحقق جرمی است، انجام داده‌اند، ولی عمل آن‌ها به دلیل زوال «رکن قانونی جرم» یا «عوامل موجهه جرم»<sup>۱</sup>، دیگر فاقد عنوان مجرمانه بوده است و نباید محکومیت می‌یافتند، لیکن در پی بروز اشتباهات در دادرسی و بی‌توجهی‌های قضایی و یا نادیده انگاشتن موازین دادرسی عادلانه یا تخطی از اصول حقوقی و قانونی دیگر، محکوم به تحمل کیفر گردیده‌اند (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۱۱).

## ۲. مبانی جبران خسارت از محکومان بی‌گناه در نظام حقوقی ایران

در جبران خسارت ناشی از محکومان بی‌گناه تردید باقی نمانده است، لیکن برای توجیه مسئولیت مسئولان پرداخت خسارت باید مبانی این حق تبیین شود. موارد زیر را می‌توان به عنوان مبانی حقوقی حق بر جبران خسارت عنوان کرد.

### ۲-۱. مبانی منطقی و خردگرایانه حق جبران خسارت

حق بر جبران خسارت یکی از اصول کلی حقوقی به شمار می‌رود (فضائلی، ۱۳۹۷: ۴۱۵)؛ این اصل بدین معناست که هر کس ضرری به دیگری وارد نماید، باید آن ضرر را جبران نماید. حق بر جبران خسارت از محکومان بی‌گناه مبتنی بر تقصیر مقامات قضایی می‌باشد، هر چند این موضوع مورد اشاره قرار نگرفته است. همان‌طور که اشاره شد، اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تقصیر مقامات قضایی اشاره کرده‌اند. اما ماده ۲۵۵ قانون آیین

<sup>۱</sup> از دید اخلاقی و اجتماعی، ارتکاب جرم و رفتار ممنوع پذیرفتنی نیست. وقتی رفتاری جرم دانسته شد، نباید به کسی اجازه داد تا آن را انجام دهد. از این دید، می‌توان ناروایی انجام و ارتکاب جرم را به عنوان یک اصل به شمار آورد، اما این اصل، همانند هر اصل دیگری در جهان حقوق استثنایپذیر است و در پاره‌ای از جاها قانونگذار بنا بر مباحث و مصلحت‌هایی، حکم نخستین ممنوعیت رفتار را نادیده گرفته و به اباحه و جواز آن و یا حتی به تکلیف مخالف با آن، حکم می‌کند. به سخن روشن‌تر، رفتاری را که پیش از این ممنوع و دارای مجازات شناخته است، مباح و مجاز اعلام می‌نماید. از چنین احکامی، که اثر حکم کیفری نخستین را از بین می‌برند، به عنوان «احکام زایل‌کننده رکن قانونی»، «موارد اباحه جرم» یا «عوامل موجهه یا توجیه‌کننده جرم»، یعنی شرط و یا عاملی که ارتکاب جرم را موجه و قابل توجیه می‌سازد، یاد می‌کنند (منصورآبادی، ۱۳۹۴: ۲۲۹-۲۳۰).

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به موضوع تقصیر یا عدم تقصیر قاضیان هیچ اشاره‌ای نکرده است. صرف صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب دلالت تضمینی بر تقصیر دارد. عبارت ماده ۲۵۵ که مقرر می‌دارد: «... به هر علت بازداشت شوند...» از همین موضوع حکایت می‌کند. امروزه، باور بر این است که دولت و حکومت و به تبع آن، عدالت کیفری نیز امری زمینی است که بر مبنای تئوری قرارداد اجتماعی روسو در نظام‌های مردم‌سالار توجیه می‌شود و مطالبه خسارت و خسارت‌زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه اصولاً نباید به اقتدار حاکمیت حکومت‌های مردم‌سالار که از بطن اجتماع برخاسته‌اند؛ لطمه وارد سازد.

## ۲-۱-۱. نظریه قرارداد اجتماعی

طرفداران نظریه قرارداد اجتماعی بر این باورند که دولت و ملت در قالب یک قرارداد نانوشته، متعهد می‌شوند که ملت بخشی از حقوق و آزادی‌های خود را در قبال تأمین امنیت از سوی دولت به او واگذار نماید. چنانچه دولت یا مامورانش در انجام وظایف خود دچار قصور و کوتاهی شود و نتواند به درستی انجام وظیفه نماید، باید هزینه کاستی‌های ناشی از سوء عملکرد خود را بپردازد. نظریه قرارداد اجتماعی بر این باور است که دولت یک ارائه‌دهنده خدمات است و چنانچه در انجام خدمات خود دچار اشتباه یا خطا شود، همانند هر شخص دیگری بایستی خطای خود را جبران نماید. لئون دوگی، حقوقدان و جامعه‌شناس اندیشمند فرانسوی، عقیده دارد که اگر قاضی برخلاف قانون عمل کند و از این رهگذر کسی را زیانی رسد، جبران آن بر عهده همگان است؛ زیرا، عموم مردم به واسطه انتفاع و برخورداری از خدمات قضایی باید عواقب سوء ناشی از آن را نیز تحمل کنند. آن که سود می‌برد، غرامت می‌کشد (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۶: ۲۹۳) تا یک قرن پیش اصل بر عدم مسئولیت دولت‌ها بوده است، زیرا قضاوت را یک موضوع حاکمیتی می‌دانستند و دولت‌ها در قبال اقدامات حاکمیتی مسئول شناخته نمی‌شدند. پذیرش حق بر جبران خسارت بدون لزوم وجود تقصیر تحت تاثیر اندیشه دموکراتیک صورت گرفته است.

## ۲-۱-۲. تئوری‌های حقوقی در توجیه حق بر جبران خسارت

به نظر می‌رسد می‌توان حق بر جبران خسارت ناشی از محکومان بی‌گناه را مبتنی بر نظریه «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته» توجیه کرد؛ بدین توضیح که گاهی در اثر تقصیر دیگری، «شخص» فرصت تحصیل منفعت و یا اجتناب از شر آینده را از دست می‌دهد، به طوری که صرف از دست دادن فرصت، ضرر مستقل محسوب شده و عدم جبران چنین فرصت از دست‌رفته‌ای تالی فاسد داشته و برخلاف انصاف می‌باشد (بهادری اردکانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۹).

## ۲-۱-۳. اصل لزوم جبران کلیه خسارات وارده بر محکومان بی گناه

انسان‌ها از حیث خصوصیات رفتاری، شخصیتی، احساسات و شأن و منزلت اجتماعی و... با یکدیگر متفاوت می‌باشند. از این رو، نباید انتظار داشت که در مقام جبران خسارت از خسارات معنوی و روحی و روانی - عاطفی وارد بر این دسته از شهروندان، رویه قضایی خاصی در دادگاه‌ها و نهادهای مرتبط با امر جبران خسارت از این دسته از افراد، جاری و ساری باشد. رویه قضایی یکسان و ثابت و تعیین معیار دقیق ارزشیابی خسارات، فقط در ارتباط با «خسارات مادی» امکان‌پذیر است. تا جایی که ما در مقام جبران خسارت از خسارات معنوی و روحی و روانی - عاطفی وارد بر افراد با توجه به ماهیت متفاوت این نوع خسارات اصولاً بایستی از رعایت اصلی به نام اصل «فردی‌سازی جبران خسارت» سخن به میان آوریم (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۱۳). در واقع، سیاست جنایی مطلوب در ارتباط با امر خسارت‌زدایی از قربانیان اشتباهات قضایی، باید در کنار پذیرش اصل «لزوم جبران کلیه خسارات وارده بر محکومان بی گناه»، متمایل به رعایت اصلی دیگر تحت عنوان «اصل فردی ساختن جبران خسارت» خصوصاً در قلمرو خسارات معنوی و روحی و روانی - عاطفی وارد بر این دسته از شهروندان قانون‌مدار باشد تا بتواند به نحو احسن، عدالت و عدالت گستری قوه قضائیه را بر همگان نمایان سازد.

این گونه سیاست جنایی می‌تواند اقتدار نظام اجتماعی و دولت حاکم متولی «برقراری نظم و امنیت اجتماعی» در آن نظام اجتماعی را تثبیت نماید و اعتماد مردمی را به دادگستر بودن قوه قضائیه مستحکم‌تر نمایاند.

به تبع پذیرش «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات وارد بر بزه‌دیدگان» در اسناد بین‌المللی مختلف، خصوصاً بزه‌دیدگان جرایم خشونت‌آمیز و تروریستی و بزه‌دیدگان جرایم جنسی به طریق اولی، در خصوص متهمان و محکومان بی گناه نیز بایستی قائل به پذیرش این اصل باشیم؛ زیرا بزه‌دیدگان لزوماً متحمل ورود خسارات معنوی و روحی و روانی - عاطفی نمی‌گردند و معمولاً مورد ترحم افراد جامعه قرار گرفته و حتی این لزوم احترام و حمایت از آنان بود که در دو دهه اخیر باعث پیدایش رشته علمی جدیدی تحت عنوان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (ثانویه) گردید (رایجیان، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳). لیکن، در ارتباط با محکومان بی گناه، قدر متیقن خسارات وارده به آن‌ها به صرف درگیر شدن بلاجهت در فرآیند دادرسی‌های کیفری، «خسارات روحی، روانی و عاطفی» و «مورد برچسب انحراف و انگ مجرمانه جامعه قرار گرفتن»<sup>۱</sup> آن‌ها خواهد بود.

۱. فرآیند برچسب‌زنی می‌تواند آثار منفی خاص خود را در پی داشته باشد. آثاری از این دست که ممکن است شخص برچسب‌خورده، نقشی را به خود بپذیرد که در آن برچسب به او نسبت داده می‌شود. به بیان دیگر، اگر بر شخصی رسماً انگ «کجرو»، «خلافکار» یا «مجرم» وارد آید، این امر ممکن است موجب شود که او به شکلی متناسب با آن برچسب رفتار کند (وایت و هینز، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

البته، ظاهراً هیچ یک از قوانین و مقررات حقوقی در ایران اشاره‌ای صریح به لزوم جبران کلیه خسارات ندارد و آنچه هست، تصریح به قابلیت جبران خسارات معین است که در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی به صورت محدودتر و در قانون مسئولیت مدنی قلمروی بسیار وسیع‌تر دارد. در واقع، استنتاج اصل «قابلیت جبران کلیه خسارات»، نتیجه نظریه‌پردازی دکتترین بوده است (بابایی، ۱۳۸۴: ۴۷) از این رو، همسوسازی مجموعه قوانین داخلی مرتبط با امر مسئولیت مدنی افراد در حقوق ایران، با اسناد بین‌المللی، در ارتباط با «قابلیت خسارت‌زدایی کامل از بزه‌دیدگان»، امری ضروری است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. مبانی دینی و فقهی حق بر جبران خسارت

با نگاهی به متون فقهی و دینی قواعد زیادی را می‌توان یافت که دلالت بر حق بر جبران خسارت ناشی از محکومان بی‌گناه دارند، از جمله می‌توان به قاعده لاضرر، ضمان و قاعده لزوم احترام به مال افراد اشاره کرد؛ بدین توضیح که اگر شخصی در نتیجه توقیف و بازداشت غیرقانونی منفعتی از او ولو احتمالی تفویض گردد و از بین برود یا امکان دسترسی فرد به آن از او سلب گردد، حق خواهد داشت تا این خسارت جبران گردد.

از منظر فقه اسلامی نیز، علی‌رغم مخالفت‌های بسیاری که از جانب بعضی از فقهاء با اصل مذکور و توسعه دامنه خسارات قابل جبران در زمینه‌های مختلف خسارات مالی و نتایج خسارات بدنی و جانی شده است، مطالعه آرای فقهی به خصوص در بحث از قاعده «لاضرر» و گاه قاعده «تسبیب» نشان می‌دهد که قبول اصل «لزوم جبران کلیه خسارات»، منافاتی با اصول فقهی و شرعی نداشته، بلکه نظر برخی از فقهای امامیه بر همین امر استوار است؛ بنابراین، به صراحت می‌توان گفت که قبول اصلی به عنوان «لزوم جبران کلیه خسارات» و گسترش دامنه ضررهای قابل جبران، مخالفتی با شرع مقدس اسلام ندارد (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۹۰: ۶۸).

با وجود این، مطالعه نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته نظیر حقوق فرانسه و نیز نظام حقوقی کامن‌لا و تحلیل‌های حقوقی و اقتصادی آنان، حکایت از مطلوبیت پذیرش مطلق این اصل و به

<sup>۱</sup> اصل لزوم جبران خسارت که برخلاف حق به دیگری وارد آمده است، یکی از قواعد مسلم حقوقی می‌باشد که در تمام نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است؛ تا آنجا که در نظریه‌های جدید، به جای «حقوق مسئولیت» از «حقوق جبران خسارت» صحبت به میان می‌آید (حدادی، ۱۳۹۲: ۴۵). اصول حقوقی و عدالت اقتضاء دارد همان گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زبانی وارد آورند، متحمل پرداخت خسارت می‌شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی نیز خواه دولت یا غیر آن نیز، همین گونه عمل شود. همچنین مطابق با قاعده فقهی «لاضرر» به مفهومی که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند نیز، هماهنگی کامل دارد. مطابق اصل لزوم جبران خسارت: (۱) هیچ ضرری نباید بدون جبران بماند. (۲) هر کس مال دیگری را تلف کند، مسئول جبران آن است. (۳) هر کس بر مال دیگری مستولی شود، ضامن نقص و تلف آن است. (۴) هر کس دیگری را به امری مغرور کند و از این راه زبانی به او برساند، باید جبران خسارت نماید (مستقیمی و طارم سری، ۱۳۹۰: ۶۷).



رسمیت شناخته شدن آن ندارد، بلکه مبین پذیرش این اعتقاد که «تعیین نوع و میزان خسارات قابل جبران بایستی با توجه به عوامل مختلف بوده و در این مسیر، ملاحظات اقتصادی و حفظ مصالح اجتماعی و قضایی نیز لحاظ گردد» می‌باشد (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

از این رو، برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند که مطلوب آن است که این ملاحظات در حقوق ایران نیز مدنظر قرار گیرد و از ایجاد اصل کلی مانند اصل ادعایی «قابلیت جبران کلیه خسارات» که علی‌رغم ساده نمودن می‌تواند موجب مشکلات بسیار نیز باشد، اجتناب گردد و قابلیت جبران خسارات را با توجه به عوامل اساسی همچون «مبنای مسئولیت، زمینه و نحوه ایراد خسارت (عمد، بی‌احتیاطی یا غیر آن) و طبیعت ضرر و خسارت» تعیین نمود؛ زیرا تفکیک بین خسارات و پذیرش تنها بخشی از آنها به عنوان خسارات قابل جبران سبب می‌شود که سیاست‌های قضایی نظام حقوقی در مورد خسارات نیز قابل اعمال باشد و این امر کلاً به قضاوت عرف سپرده نشود (بابایی، ۱۳۸۴: ۷۹-۸۰).

به نظر می‌رسد صرفاً بتوان دیدگاه این دسته از حقوقدانان را در حوزه حقوق مسئولیت مدنی ناشی از دعاوی حقوقی (غیر کیفری) پذیرفت. لیکن، با توجه به رویکرد امروزی اسناد حمایتی بین‌المللی، در ارتباط با «بزه‌دیدگان» به طور کلی و بزه‌دیدگان قضایی نظیر محکومان بی‌گناه به طور خاص، این رویکرد فاقد توجیه لازم خواهد بود، زیرا در این جا حفظ مصالح اجتماعی و قضایی کشور است که ایجاب می‌نماید در خصوص این دسته از شهروندان، قائل به پذیرش اصل قابلیت جبران کلیه خسارات باشیم.

## ۲-۱-۲. قاعده احترام

مبنای این قاعده، روایت معروف نبوی است. مطابق این روایت، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (سیوطی، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۵۷۳). اگر بخواهیم تبیین چگونگی استدلال به قاعده احترام بر ضمان و لزوم جبران خسارت ناشی از آن را بررسی نماییم، شکی نیست که روایت نبوی (حرمة مال المسلم كحرمة دمه) دلالت بر محترم بودن مال مسلمان دارد؛ یعنی همان‌گونه که خون مسلمان، احترام دارد، مال او نیز از چنین احترامی برخوردار است.

قدر مسلم از احترام این است که نباید به مال او آسیب رسانده یا آن را تلف کرد، اما آیا قاعده، علاوه بر حکم تکلیفی (حرمت)، شامل حکم وضعی (ضمان) نیز می‌شود؟

باید گفت: اولاً، به قرینه تنظیر به خون و جان، قاعده، دلالت بر ضمان نیز دارد؛ یعنی همان‌گونه که جان مسلمان محترم است و نباید آن را تلف کرد یا به آن آسیب رساند و در صورت تلف کردن یا آسیب رساندن، شخص ضامن است، در مال هم، همین حکم جاری است. ثانیاً، سیاق روایت بر حکم وضعی نیز دلالت دارد؛ چرا که عدم حفظ حرمت مال، موجب نقض آن

می‌شود؛ یعنی حرمت آن شکسته می‌شود و از آنجا که قاعده، حرمت مال را واجب دانسته است، باید این حرمت حفظ شود که حفظ حرمت، به جبران نقض است. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌فرماید: «مقتضای این احترام، این است که اگر کسی بدون اذن و رضایت فرد مسلمانی، مال او را تلف کند، ضامن است» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۷).

در موضوع مورد بحث، یعنی مسئله لزوم جبران خسارت ناشی از محکومیت‌های اشخاص بی‌گناه موجب می‌شود که مثلاً فرد شاغل طی مدت حبس به کار خود اشتغال نداشته باشد و از آنجا که گفتیم، عمل حرّ مال است؛ در حقیقت، محبوس از مال خود محروم شده است (زیرا فرض این است که دست کم در خصوص افرادی که بالفعل اشتغال دارند، فرد، در صورت عدم حبس، به کسب و کار خود ادامه می‌داد). اینجا حابس، احترام مال را نگاه نداشته و موجب تضییع آن شده است و چون گفتیم که قاعده، دلالت بر ضمانت دارد، حابس ضامن می‌باشد. نکته این که از دیدگاه فقهی قدر متیقن آن است که قاعده احترام، ضمانت را در فرد شاغل اثبات می‌کند؛ اما در خصوص افراد غیرشاغل فرض این است که فرد بیکار، دارای عمل و در نتیجه، مال نیست تا بگوییم حابس، حرمت آن را نگاه نداشته و ضامن است (هاشمی، ۱۳۹۸: ۳۰۸).

البته، شاید بتوان گفت در خصوص کسانی که بالفعل اشتغال به کاری ندارند و به هر دلیلی بیکار هستند، با تعریفی که از عمل حرّ ارائه نموده و عمل حرّ را فی نفسه مال دانستیم، طبعاً در این فرض می‌توان حبس غیرقانونی انسان بیکار را نیز دست کم در مورد آن دسته از بیکارانی که از روی ولگردی بیکار نیستند، بلکه دچار نوعی بیکاری ناخواسته هستند، موجب ضمان دانست؛ زیرا عرفاً صدق مال بر نیروی کار چنین افرادی بعید نیست، اما این ادعا منوط به اثبات صدق عرفی مال بر نیروی کار چنین افرادی است که در صورت شک، اصل عدم ضمان حاکم است.

## ۲-۲-۲. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر مهم‌ترین قاعده‌ای را که می‌توان برای توجیه ضرورت جبران خسارت بازداشتی‌های بی‌گناه یافت، ممنوعیت ضرر است که در فقه از آن به قاعده لاضرر تعبیر می‌شود. ممنوعیت ضرر در متون دینی اعم از آیات قرآن (قرآن کریم: سوره بقره: آیات ۲۳۳ و ۲۸۲) و روایات معصومین (ع) ریشه دارد و مشتمل بر این مفهوم است که در اسلام ضرر و حکم ضرری نیست.

درباره معنای قاعده لاضرر در مقام جمع بین همه اقوال چنین آمده است که جمله لاضرر و لا ضرار، هم، دلالت دارد بر اینکه هیچ حکم ضرری از ناحیه شارع مقدس جعل نشده است و هم دلالت دارد بر اینکه هیچ انسانی حق ندارد به دیگری ضرر برساند. در توضیح این نظریه آمده است از آنجا که ضرر اسم مصدر است و دلالت بر نتیجه فعل و عمل دارد و در آن انتساب به فاعل

وجود ندارد، پس لا ضرار دلالت دارد بر اینکه کسی حق ضرر رساندن به غیر را ندارد و در صورت ضرر رساندن باید خسارت آن را جبران کند (هاشمی، ۱۳۹۸: ۳۰۸).

در صورت پذیرش این قول از میان اقوال متعددی که در این زمینه مطرح شده است، برای استدلال به قاعده لا ضرر برای مسئله ضمان و جبران خسارت از محکومان بی گناه در نظام عدالت قضایی، می توان چنین نتیجه گرفت که اگر ضرری از ناحیه کسی متوجه دیگری شد، به حکم دلیل لا ضرر باید ضرر را تدارک کند و خسارت به وجود آمده را جبران نماید؛ زیرا ضرر به جهت وجود انتساب به فاعل در معنایش، دلالت بر اضرار به غیر دارد که انسان برای ارضای انگیزه های شهوانی دست به چنین عملی می زند. بنابراین، اگر در جایی نهی به آن تعلق بگیرد، ظهور در تحریم دارد تا اینکه انسان ها را از عمل به آن باز دارد؛ اما اگر نفی به آن تعلق گیرد، مثل دلیل لا ضرر و لا ضرار، دلالت بر جعل سببیت دارد، یعنی سبب می شود تا این عمل (اضرار به غیر) تحقق پیدا نکند.

حال با توجه به مطالب ذکر شده، اگر کسی انسانی را بدون مجوز شرعی و قانونی حبس کند، به گونه ای که منافع او از بین برود، باید خسارت به وجود آمده را جبران کند؛ زیرا حبس انسان حرّ سبب از بین رفتن منافع او می شود که عقلاً چنین منفعی را برای انسان حر در نظر می گیرند، در نتیجه، شخص حبس کننده ضامن است مانند زمانی که یک انسان عبد یا وسیله نقلیه کسی را در جایی حبس کنیم که همه فقها قائل به ضمان هستند. انسان حرّ با عبد یا وسیله نقلیه تفاوتی ندارد، زیرا همه آنها دارای منافع هستند که مال بر آنها اطلاق می شود.

حال با توجه به مطالب ذکر شده، اگر کسی انسانی را بدون مجوز شرعی و قانونی حبس کند، به گونه ای که منافع او از بین برود، آیا ضامن است و باید خسارت به وجود آمده را جبران بکند یا نه؟ در پاسخ باید گفت، حبس انسان حرّ سبب از بین رفتن منافع او می شود که عقلاً چنین منفعی را برای انسان حرّ در نظر می گیرند، در نتیجه، شخص حبس کننده باید ضامن باشد و خسارت را بپردازد مانند زمانی که یک انسان عبد یا وسیله نقلیه کسی را در جایی حبس کنیم که همه فقها قائل به ضمان هستند. انسان حرّ با عبد یا وسیله نقلیه تفاوتی ندارد، زیرا همه آنها دارای منافع هستند که مال بر آنها اطلاق می شود. البته، باید گفت این حکم از صدر دلیل یعنی «لا ضرر» استفاده نمی شود؛ زیرا این فقره از دلیل دلالت دارد بر اینکه خداوند تبارک و تعالی احکام ضرری جعل نکرده است و هیچ دلالتی بر مسئله ضمان ندارد، بلکه حکم به ضمان از ذیل دلیل یعنی «لا ضرار» استفاده می شود که گفته شد از نفی اضرار به غیر استفاده می شود که خداوند تبارک و تعالی احکامی را تشریح کرده است که مانع تحقق اضرار به غیر می شود و از واضح ترین اسباب مانعیت اضرار، حکم به ضمان شخص حبس کننده است که به این وسیله دیگری را متضرر ساخته است.

در خصوص جبران خسارات محکومان بی گناه می توان گفت که این افراد، حسب مورد

متحمل برخی از انواع خسارات خواهند شد، از جمله خسارات مادی به دنبال ممنوعیت از ادامه کسب و کار، صدمات حیثیتی و خدش‌های که به آبروی آن‌ها وارد می‌شود و نیز سپری شدن بخشی از روزهای زندگی‌شان در زندان و...؛ به بیان دیگر، حقوق فردی آن‌ها در راستای منافع عمومی خدشه‌دار می‌شود (حیدری، ۱۳۹۶: ۴۴).

### ۳. مبانی جبران خسارت از محکومان بی‌گناه در نظام حقوقی کامن لا

#### ۳-۱. نظام حقوقی انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان نیز سوء جریان عدالت کیفری یک موضوع محتمل است و نسبت به آن ممکن است ادعای مطالبه خسارت علیه پلیس یا دولت مطرح گردد. اگر پلیس خارج از محدوده اختیارات قانونی خود عمل نموده و بدون مبانی معقول، اقدام به سلب آزادی نماید، در این صورت، «بازداشت غیرقانونی» محقق می‌گردد و شخص می‌تواند بر این مبنا مطالبه خسارت نماید. یکی از مبانی اصل جبران خسارت در حقوق کامن لا عدالت قضایی است، حوزه‌های گوناگونی از فعالیت‌ها و مناسبات اجتماعی می‌تواند از نظر عدالت مورد توجه قرار گیرد. تنوع این حوزه‌ها، مفاهیم متعددی از عدالت را مطرح کرده است. یکی از این حوزه‌ها جبران خسارت است که به گونه‌ای با موضوع عدالت در ارتباط قرار می‌گیرند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

لذا، هرگاه در راستای منافع عمومی به عنوان متهم به جرم شناخته شده و به عنوان نتیجه صدور قرار تأمینی بازداشت موقت، آزادی آن‌ها سلب گردید، در صورت احراز و اثبات بی‌گناهی، خسارات آن‌ها جبران خواهد گردید (حیدری، ۱۳۹۶: ۴۶).

در واقع، عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند در صورتی که فردی در جهت تحقق منافع عمومی متضرر شد و آزادی خود را از دست داد و به اعتبار و حیثیتش خدشه وارد شد، به شایستگی موضوع جبران خسارت قرار گیرد.

درست است که یکی از راه‌های برقراری عدالت، مجازات کردن مجرمین و به طور کلی، واکنش اجتماعی رسمی در برابر جرم است، اما بازداشت فرد بی‌گناه، مجازات نبوده و عدالت ایجاب می‌کند پس از صدور حکم براءت و به بیان دیگر، بعد از احراز بی‌گناهی، خسارات مادی و معنوی وارد بر آن‌ها جبران شود؛ چرا که اعمال قاعده جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه، می‌تواند در شکل‌گیری باور مثبت نسبت به عدالت، نقشی شایان داشته باشد (حیدری، ۱۳۹۶: ۴۶).

موضوع دیگر این که جبران خسارات بی‌گناهان بر منفعت دولت و مصلحت عمومی مبتنی است.، چرا که بر اساس نظریه قرارداد اجتماعی که نه تنها منافع افراد را پوشش نمی‌دهد، بلکه متضمن مصلحت و منفعت جامعه به عنوان یک کل می‌باشد، یکی از اصولی که منفعت عمومی را

به دنبال دارد، جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه است. در واقع، با اینکه دادگاه و دادسرا در راستای منفعت عمومی اقدام می‌کند، اما گاهی عملکرد نامناسب منفعت اجتماعی قربانیان اشتباهات قضایی و کسانی که بی‌گناه در بازداشتگاه نگهداری شده‌اند، را به خطر می‌اندازد؛ لذا، بایستی به نحوی جبران خسارت شود که به اقتدار اخلاقی دولت نیز کمک کند (Layne, 2011: 5)؛ علاوه بر مصلحت عمومی، مبنای دیگر لزوم جبران خسارت را قرارداد اجتماعی می‌دانند (Layne, 2011: 5).

منظور از قرارداد اجتماعی که بر مبنای نظری برای جبران خسارت به وسیله دولت مطرح شده است، این است که افراد جامعه در ازای حفظ آزادی‌های فردی، امنیت اجتماعی و اقتصادی و تحقق عدالت، برخی از حقوق خود از جمله حق اعمال عدالت خصوصی را به دولت واگذار می‌کنند و دولت در ازای محدود کردن حقوق و آزادی‌های فردی و برخورداری از حق حاکمیت، متعهد به حمایت و محافظت از افراد جامعه بوده است و قصور در ایفاء تعهد موجب مسئولیت دولت در قبال بزه‌دیده است (Wright, 1991: 28).

لذا، به موجب این قرارداد، افراد بخشی از حقوق خود را به دولت اعطا می‌کنند تا در مقابل تعدی به سایر حقوقشان مورد حمایت قرار گیرند و دولت به نیابت از آن‌ها این قدرت را اعمال می‌کند. حال، در صورت نقض قرارداد اجتماعی، دولت باید در پی جبران خسارت برآید. لذا، وظیفه دولت به جبران خسارات بازداشت‌شدگان بی‌گناه، ضمانت اجرای نقض قرارداد اجتماعی توسط دولت تلقی خواهد شد.

از حیث رویه قضایی انگلستان نیز جریان اصل برائت در دادرسی کیفری امری مسلم و پذیرفته شده است، به گونه‌ای که در نظام حقوقی انگلستان که مبتنی بر حقوق عرفی است، این اصل از یک سری احکام قضایی استنتاج شده است. در دعوایی در این خصوص بیان شده: «در تار و پود حقوق جزای انگلیس همواره یک رشته طلایی یافت می‌شود که عبارت است از این که کسی که تعقیب متهم را بر عهده دارد (دادستان)، باید مجرمیت او را ثابت کند و مادام که مجرمیت اثبات نشود و یا شک و شبهه‌ای در خصوص اثبات جرم وجود داشته باشد، متهم مستحق برائت است» (Ashworth, 1992: 37).

به باور حقوق‌دانان اروپایی<sup>۱</sup> نیز جبران خسارات بی‌گناهان بر منفعت دولت و مصلحت عمومی مبتنی است. قرارداد اجتماعی تنها منافع افراد را پوشش نمی‌دهد، بلکه متضمن مصلحت و منفعت جامعه به عنوان یک کل می‌باشد؛ مصلحت جامعه در جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه است. در واقع، بازداشت بی‌گناهان می‌تواند مصداقی از اشتباهات قضایی باشد. مسلماً تعقیب

<sup>۱</sup> در حقوق اروپایی نیز بر ضرورت جبران خسارت محکومان بی‌گناه تاکید شده است، اگرچه به باور آن‌ها، این جبران خسارت دامنه گسترده‌ای دارد و شامل تمام موارد اشتباهات قضایی و نقض عدالت می‌شود.

مجرمان در راستای مصلحت عموم صورت می‌گیرد و دادسرا نهادی است متعلق به عموم که تعقیب را به نمایندگی از آنها انجام می‌دهد. همه افراد عضوی از جامعه هستند و زمانی که جامعه از قدرت قضایی خود استفاده می‌کند، فی‌الواقع خود افراد هستند که این کار را انجام داده‌اند؛ بر این اساس، منفعت اجتماعی در کیفیت بالای نظام عدالت کیفری است (حیدری، ۱۳۹۶: ۶۴).

همان طور که عملکرد بد و تخلفات یک نهاد دولتی به دولت به طور کلی صدمه می‌زند، عملکرد نامناسب دادسرا نیز به دولت صدمه زده و اقتدار اخلاقی آن را در بین عموم کاهش می‌دهد. این در حالی است که همین نیروی اخلاقی است که موجب تبعیت شهروندان و اعضای جامعه از قوانین می‌شود. بدین ترتیب، روشن است که منفعت اجتماعی در این است که از قربانیان اشتباهات قضایی و کسانی که بی‌گناه در بازداشتگاه نگهداری شده‌اند، به نحوی انسانی و به شایستگی جبران خسارت شود. بالتبع، چنین اقدامی می‌تواند منتهی به ترمیم صدمه و خسارتی شود که به دنبال بازداشت انسان‌های بی‌گناه به اقتدار اخلاقی دولت، وارد شده است (Layne, 2010, 5).

### ۳-۲. نظام حقوقی امریکا

در حقوق آمریکا نیز براساس اصل عدالت قضایی پذیرفته شده است که صرف آزاد کردن فرد بعد از اثبات بی‌گناهی وی کافی نبوده و لزوم جبران خسارت وی از الزامات اولیه عدالت قضایی است (Bruce, 2005: 28).

یکی از اصول شناخته شده در حقوق ایران، مسئولیت قاضی در قبال اعمال خویش است که از مبانی جبران خسارت فرد بی‌گناه در حقوق کیفری ایران به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> در حقوق ایالات متحده آمریکا و انگلستان، قاضی از هر گونه مسئولیت مبری شناخته می‌شود که طی آراء متعدد صادره از دادگاه عالی مورد تأیید قرار گرفته است که البته، به مرور این امر مورد پذیرش قرار گرفت که قاضی تنها در مقابل اعمال قضایی از مصونیت برخوردار می‌باشد و در مقابل تصمیمات غیرقضایی خود همانند سایر شهروندان مسئول می‌باشد و بر اساس چنین استدلالی بود که دادگاه عالی در پرونده‌ای موسوم به قاضی (White)، وی را به لحاظ تصمیم غیرقضایی که منجر به نقض قانون اساسی شده بود، به پرداخت ضرر و زیان در حق شخص زیان‌دیده محکوم نمود (احسان‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۸).

۱. یکی از اصول و مبانی این پذیرش نیز جبران خسارت در نتیجه اشتباه قاضی است. به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی ایران، «هرگاه در اثر تفصیر با اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و به وسیله دولت جبران می‌شود».

به عبارتی، در گذشته، دولت و مأموران آن در مقابل اختیارات و صلاحیت‌های خود دارای مصونیت و تعرض‌ناپذیر بودند، ولی امروزه با تحول اندیشه‌ها و وضع قواعد حقوقی مناسب، آن‌ها در برابر این اعمال، مسئولیت داشته و پاسخ‌گو می‌باشند. این امر یکی از اصول و پیامدهای اندیشه‌های دولت قانون‌مدار و حکمرانی مطلوب و یکی از راه‌هایی است که می‌تواند قدرت دولت را محدود و مهار نماید؛ برای تحمیل مسئولیت، دو نظریه قانونی در خصوص مسئولیت دولت برای خسارات ناشی از تعقیب کیفری افراد بیگناهان عنوان شده: نظریه مبنی بر تقصیر و مسئولیت مطلق که مسئولیت مطلق دولت در این خصوص مورد تأیید حقوقدانان قرار گرفته است؛ چراکه اثبات غفلت توسط پلیس یا دادستان برای محکومان بسیار دشوار خواهد بود. علاوه بر این، دولت است که بایستی هزینه‌های اجرای عدالت را پردازد که یکی از این هزینه‌ها همین جبران خسارت محکومین بی‌گناه است و دلیلی ندارد که قربانیان بی‌گناه مجبور به پرداخت این هزینه شوند (Keith, 1976: 715). از سوی دیگر، این امر سبب خواهد شد که هم دادستان و هم مراجع قضایی دقت بیشتری در پیگیری و تعقیب‌های قضایی خود داشته باشند و هم اینکه فرد محکوم نیز انگیزه لازم را برای این پیدا می‌کند که در پی اثبات عدم گناهکار بودن خود برآید.

### نتیجه‌گیری:

افراد بی‌گناه در نهایت با استناد به ادله اثبات نادرست، محکوم می‌شوند. اغلب، خطاهای نظام عدالت کیفری با ترکیبی از خطاهای متعدد کنشگران حرفه‌ای رخ می‌دهد؛ پلیس فردی را به خطا به عنوان متهم شناسایی می‌کند، دادستان به خطا تعقیب می‌کند، بازپرس در تحقیقات مرتکب خطا می‌شود و سرانجام، قاضی به خطا وی را محکوم می‌کند. در این میان، گاه کارشناس خطا می‌کند و گاه وکیل مدافع متهم وظایفش را به خوبی عهده‌دار نمی‌شود. از زاویه‌ای دیگر نیز می‌توان این توالی زنجیره‌وار را توصیف کرد. این کنشگران کمابیش از نظام سلسله‌مراتبی تبعیت می‌کنند؛ یعنی پلیس تحت نظارت مقامات قضایی و دادیار تحت نظارت دادستان است، قرار جلب به دادرسی بازپرس و کیفرخواست دادستان، باید به تأیید قاضی برسد و رأی قاضی نیز باید به تأیید دادگاه عالی برسد. با وجود این، در محکومیت بی‌گناهان، همه این کنشگران مرتکب «خطا» یا «تأیید خطا» می‌شوند.

اگرچه شناسایی مسئولیت دولت نسبت به عملکرد دادگستری موجب تحمیل هزینه بر بودجه عمومی کشور می‌گردد، با این همه، این امر می‌تواند تصمیم‌گیرندگان (از جمله قانون‌گذار و مدیران ارشد قوه قضاییه) را به تدریج به سمت توجه بیشتر به کیفیت و کارآمدی دادگستری از طریق اصلاح سازمان قضایی و پیش‌بینی تشکیلات قضایی کارآمد، سازمان‌دهی روش‌های متناسب و مؤثر شکایت از آراء، تمرکز بیشتر بر معیارهای علمی در فرایند استخدام و آموزش قضات،

ضابطان دادگستری و کارمندان اداری مراجع قضایی، توجه بیشتر بر مستدل بودن آراء و اجرای دقیق سایر اصول و حقوق دادرسی در مراجع قضایی و نظارت مؤثر بر اجرای موارد مذکور توسط مراجع قضایی عالی هدایت نماید. افزایش کیفیت عملکرد دادگستری و تصمیمات قضایی به شرح پیش گفته، خطای قضایی و هزینه‌های ناشی از آن را کاهش می‌دهد و این امر نیز اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را به طرز چشم‌گیری بالا خواهد برد.

بنابراین، با مطالعه موارد فوق می‌توان دید که در تمامی نظام‌های حقوقی مورد بحث وجود تبعیض مثبت به رسمیت شناخته شده است و تعارضی نیز با اصل برابری مندرج در قوانین اساسی نیافته است. دلیل این امر را می‌توان در ماهیت این نوع تبعیض جستجو نمود؛ اعمال این تبعیض موقعیت فرودست گروهی اجتماعی را در قبال گروه دیگر ارتقاء داده و در واقع، آنها را به سوی برابری رهنمون می‌سازد. از این منظر، این نوع تبعیض نه تنها در حقوق عمومی نوین مذموم نیست، بلکه مورد حمایت قانون‌گذار، مراجع صیانت از قانون اساسی و قضات قرار گرفته است.

### **تشکر و قدردانی**

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.





## منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۷). **آیین دادرسی کیفری**، جلد ششم، تهران: انتشارات سمت.
- احسان نژاد، امیر (۱۳۹۷). **سازوکارهای رسیدگی به جبران خسارت از متهمان بی‌گناه در نظام حقوقی ایران، انگلستان و امریکا**، تهران: انتشارات امجد.
- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۶). **حقوق دادرسی عادلانه و منصفانه با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران**، تهران: انتشارات جنگل.
- بابایی، ایرج (۱۳۸۴). **نقد اصل قابلیت جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۷(۱۶): ۸۳-۴۵.
- بهادری اردکانی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۵). **مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته**، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۶): ۹۴-۶۹.
- حدادی، مهدی (۱۳۹۲). **استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت از سوی دولت‌های زیان‌دیده**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۲۷(۴۲): ۱۲۴-۸۹.
- حیدری، الهام (۱۳۹۶). **مبانی و جایگاه قانون جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه در دادرسی کیفری ایران**، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۸(۱۵): ۵۸-۳۷.
- شاملو، باقر و مرادی، مجید (۱۳۹۳). **خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان؛ جایگاه حقوقی و فرآیند عملی**، مجله حقوقی دادگستری، ۷۸(۸۸): ۲۴۸-۲۱۳.
- رایجیان، مهرداد (۱۳۹۰). **بزه دیده شناسی حمایتی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- غلاملو، جمشید و فرجیها، محمد (۱۳۹۳). **محکومیت بی‌گناهان: از خطای قضایی تا بی‌گناهی واقعی**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۳(۸): ۸۶-۶۳.
- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۰). **تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر: حق، تعهد، آزادی، برابری و عدالت**، مجله تحقیقات حقوقی، ۳(۳۳ و ۳۴).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). **مبانی حقوق عمومی**، چاپ ششم، تهران: انتشارات میزان.
- مستقیمی، بهرام، طارم سری، مسعود (۱۳۹۰). **مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران**، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- منصورآبادی، عباس (۱۳۹۴). **حقوق کیفری عمومی**، چاپ اول، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.
- موسوی مجاب، سید درید و رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴). **دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی**، پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۳): ۱۶۹-۱۴۷.
- میرسعیدی، سید منصور (۱۳۸۶). **مسئولیت کیفری: قلمرو و ارکان**، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
- وایت، رایت و هینز، فیونا (۱۳۹۰). **جرم و جرم‌شناسی**، ترجمه علی سلیمی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۸). **بررسی مبانی فقهی حق جبران خسارت زیان‌دیده از حبس یا بازداشت غیرقانونی**، دوفصلنامه علمی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، مقاله پژوهشی، ۲۰(۵۰).

#### منابع عربی:

- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق). **الجامع الصغیر**، جلد اول، بیروت: دار الفکر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). **القواعد الفقهیه**، جلد دوم، قم: مدرسه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام).

#### منابع لاتین:

- Ashworth, Andrew (۱۹۹۲). **Principle of Criminal law**, 2nd ed: Great Britian, Oxford University Press.
- Bruce P. Smith, (۲۰۰۵). **The History of Wrongful Execution**, ۵۶HASTINGS L.J. ۱۱۸۵, ۸۷-۱۱۸۶.
- Garner, B. A, (2000). **Black's Law Dictionary** (7th ed.). St. Paul: West Group.
- Forst, B, (2004). **Errors of justice: Nature, sources, and remedies**. New York: Cambridge University Press.
- Keith S. Rosenn, (۱۹۷۶). **Compensating the Innocent Accused**, Ohio State Law Journal om College of Law), Volume ۳۷, Issue ۴.
- Stanley Z. Fisher, (۲۰۰۳-2002). **Convictions of Innocent Persons in Massachusetts: An Overview**", Boston University School of Law, Public Interest Law Journal, Vol. ۱۲.
- Layne, Daniel (۲۰۱۰). **Compensation for miscarriages of justice**, LLB Dissertation, Nottingham Law Trent University, UK. Available at Internet I of Criminology, School, Nottingham Undergraduate and Masters Criminology Dissertations.
- Layne, Daniel (2010). **compensation for miscarriage of justice**, internet journal of criminology.
- Wright M. (۱۹۹۱). **Justice for Victims and Offenders**, Philadelphia: Open University Press.